

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۳ فروری ۲۰۲۳

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، یک جریان سکولار است همزمان گوشه چشمی هم به مذهب دارد!

نامد شاهو عضو انجمن رهبری پژاک، اخیراً در گفت‌وگویی با شبکه «آرین تی‌وی» به توضیح دیدگاه‌های پژاک در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله به مسئله مذهب پرداخته است.

وی در توضیح دیدگاه پژاک در مورد بحران در ایران می‌گوید: «بحران اساسی ایران ناشی از انحراف از آن ارزش‌هایی است که در زمان عروج انقلاب اسلامی و پیمان‌نامه مدینه به رهبری محمد پیامبر مسلمانان بنیان‌گذاری شده است... رژیم اشغالگر و دیکتاتوری اسلامی ایران به آن معیارهایی که دین اسلام روی آن‌ها پایه‌گذاری شده توجه نکرده و حکومت فاشیستی و دیکتاتوری خود را مانند نمایندگی خدا در روی زمین معرفی می‌کند.»

نامد در ادامه می‌گوید: «این مواضع رژیم هم با بنیادهای فکری گران‌قدر دین اسلام که از جانب خلق مانند فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود مغایرت دارد و همین انحراف علت گسترش بحران و تناقضات در ایران را توضیح می‌دهد و برای بنیاد نهادن یک سیستم دموکراتیک ضروری است یک خوانش نو برای جنبه‌های فکری این سیستم انجام گیرد.»

نامد شاهو در ادامه تأکید می‌کند: «مانند پژاک ما باورمان به پراکتیزه کردن پیمان‌نامه مدینه و فرهنگ اسلامی است و تنها جنبشی هستیم که با صراحت از تشکیل کنگره دموکراتیک اسلامی صحبت کرده‌ایم.»

کادر رهبری پژاک، ادامه می‌دهد: «اهداف اصلی اسلام رهایی بشریت است.» «بازگشت به خطمشی و جوهر اسلام که ماهیتی دموکراتیک دارد از ایجاد جدال و کشمکش در خاورمیانه و جهان جلوگیری می‌کند...»

در حال حاضر حدود ۵ ماه از انقلاب ۱۴۰۱ ایران با شعار محوری «زن، زندگی، آزادی» می‌گذرد؛ شعاری که ریشه آن به فلسفه سیاسی و اجتماعی عبدالله اوجلان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) برمی‌گردد.

پس از این که اوجلان، به زندان انفرادی مخوف ترکیه در جزیره امرالی در حومه استانبول، افکنده شد دست از فعالیت‌های سیاسی خود نکشید و بیش از دو دهه است که با قامتی استوار در مقابل دولت فاشیستی ترکیه ایستاده است. بیانیه‌ها و کتاب‌های خود را نیز به خارج زندان فرستاده تا در دسترس عموم قرار گیرد. از آن تاریخ تاکنون، عبدالله اوجلان به رهبر معنوی و مورد احترام بسیاری از مردم کرد و غیرکرد خاورمیانه، از جمله «پژاک»، تبدیل شده است.

اما در اسلام، والاترین جایگاه نه برای زن، بلکه دقیقا و مطلقا برای مردان، آن‌هم مردان مسلمان در نظر گرفته شده است و این فلسفه نیز به فرمانروایی شخص محمد پیامبر مسمانان برمی‌گردد. در این فرمانروایی، مردان ارج ویژه خود را دارند، ولی زنانی که مقدس خوانده شده‌اند، تنها به‌عنوان مادر یا همسر یا دختر مردی مقدس، ارجی دینی یافته‌اند. فرودست‌ترین جایگاه از آن کنیزان و اسیران غیرمسلمان است. آنان از هیچ حقی برخوردار نیستند. بنابراین، روشن است که اسلام، در تظاهر تاریخی خود در دوره شکل‌گیری‌اش، چه نظری نسبت به زن داشته است. زن غیرمسلمان اسیر هیچ حقی ندارد. او غنیمت جنگی محسوب می‌شود؛ فروخته می‌شود؛ بدین ترتیب زن در تشریفات دینی، به زن اسیر تجاوز می‌شود؛ زدنش و کشتنش مجازاتی در بر ندارد.

واقعیت این است که پس از سلطه دین محمد، دیگر حتی هیچ مسیحی و یهودی نتوانست در شبه‌جزیره عربستان زندگی کند تا چه برسد به کسانی که به اصطلاح اهل کتاب و دانش و آگاهی بودند. این وضعیت مطلقا به زیان حضور اجتماعی زنان بوده است. پس از اسلام، دیگر در کانون این دین به زنانی بر نمی‌خوریم که به‌عنوان آن‌چه خود هستند، یعنی بدون در نظر گرفتن وابستگی‌شان به مردی خاص، شخصیت مستقلی داشته باشند. خدیجه و عایشه، دو زن نامدار محمد، دو تن از آخرین چهره‌های زنان معروف و قدرتمند عرب بوده‌اند.

مبلغان اسلام در عصر حاضر نیز مدام تکرار می‌کنند که رواج دین محمدی باعث شد اعراب از زنده‌به‌گور کردن دختران دست بردارند. سندهای تاریخی بر این موضوع گواهی نمی‌دهند که کشتن نوزادان دختر، عملی رایج بوده باشد. تحلیل منطقی هم ما را به این نتیجه می‌رساند که این جنایت شاید در میان برخی خانواده‌های اشرافی رایج بوده، اما نمی‌توانسته است بنابر منطق زندگی و نیاز به بازتولید آن، در میان مردم عادی رواج و رسمیت داشته باشد.

در تاریخ‌نویسی رسمی اسلامی نیز به هیچ سند قابل اعتنایی در این‌باره بر نمی‌خوریم که معاصران محمد در دعوت دینی او، ابتکار تازه تحول‌برانگیزی در رابطه با وضعیت زنان دیده باشند. دستورهای او در مورد حجاب، حقی که برای خود در تصاحب زنان قایل شده و نیز امتیازهایی که به نیروهای خود برای تصاحب زنان اسیر داده است، همه طبیعی پنداشته شده و از طرف جامعه مردان عرب دوران محمد پذیرفته شده‌اند. مخالفان نیز در این رابطه جرات انتقاد از او پیدا نکردند.

در مجموع می‌توانیم بگوییم که اسلام، یعنی اسلامی که بر بنیاد سنت محمدی شکل گرفته و حضور مسلط مداوم را تا عصر جدید داشته، همه استعدادهای خود را در برداشت از زن و زنانگی، رسماً و علناً نشان داده است. مهم‌تر از همه، هیچ دلیلی ندارد که ما صرفاً به شرایط اسلام تاریخی و دوران محمد تاکید کنیم چرا که واقعیت اسلام همان است که امروز در ایران و عربستان و افغانستان و در نزد همه گروه‌های و حکومت‌های اسلامی می‌بینیم.

حاکمیت و قدرت تفکر اسلامی، برای زنان خطرناک است و ناامنی می‌آورد. در هیچ جایی در جهان، همچون کشورهای به اصطلاح «اسلامی خاورمیانه» و بریخ از کشورهای «آفریقایی»، به زنان تعرض زبانی و چشمی و دستی نمی‌کنند. زن در این کشورها، همواره باید در موضع دفاعی باشد. پدیده حجاب و مردسالاری و پدرسالاری را باید با هم دید.

کتاب‌های فقهی و کتاب‌هایی که در مورد اخلاق اسلامی نوشته شده‌اند که نمونه مشهوری از آن‌ها «حلیة المتقین» علامه محمدباقر مجلسی است، منابع دست اولی برای شناختن قدرت جنسی مرد مسلمان هستند.

جمهوری اسلامی، رجعت به سنت‌های اسلامی بود. تفکر اسلامی بر پایه «فساد» و «جاهلیت» نه دوران بربریت بشر بلکه در دوارن مدرنیسم کنونی، سران و مقامات جمهوری اسلامی، در رفتار و منش خود، هیچ تفاوتی با سیاست‌های

فاشیستی ندارند. حکومت اسلامی نمی‌توانست این سیاست فاشیستی و ضدانسانی و زن‌ستیز خود را پیش ببرد، اگر بخش بزرگی از مردان مسلمان با آن هم‌دستی نمی‌کردند.

بی‌جهت نیست که امروز موضوع زن، به مسئله آزادی سیاسی و اجتماعی و تعیین تکلیف با قدرت سیاسی گره خورده است. ساختار کنونی قدرت در ایران بر پایه تبعیض، جنسیت و سرکوب است. این تبعیض‌ها و سرکوب‌ها با مجموعه‌ای از تبعیض‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جنسیتی، که از پیش وجود داشته‌اند و یا در دوره اخیر شکل گرفته‌اند، ترکیب شده‌اند.

در چنین وضعیتی، شرط نخست و ابتدایی رفع تبعیض، شرط گام‌برداری به‌سوی آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفاه عمومی و عدالت، جدایی «دین و دولت» است. با قطعیت باید گفت که دین، از دخالت در دولت و همچنین آموزش و پرورش و امور قضایی دست بردارد تا امکان لغو همه قانون‌هایی که در مورد زنان تبعیض‌آور بوده‌اند فراهم شود و در مقابل این امکان پدید آید که نه تنها زنان از حقوق برابر با مردان بهره‌مند گردند، بلکه دوش‌به‌دوش هم جامعه را در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی حضور فعالی داشته باشند.

جامعه ایران، به‌ویژه در سه دهه اخیر بسیار دگرگون شده است. در میان طیف مذهبی جامعه نیز نسلی سربرآورده که بسیاری از وجوه فرهنگ پدرسالاری را نمی‌پذیرد، در عین حال که شاید هنوز بخش‌هایی از آن پایبندی به مذهب هم داشته باشند. در میان این نسل، تفاوت و رفتار دو جنس مطرح نیست. چرا که در این دهه‌ها، هم زنان و هم مردان تحول یافته‌اند. برای پذیرش برابر حقوقی، زمینه‌های عینی و ذهنی مناسبی پدید آمده است.

در حالی که اهداف و برنامه‌های و جهت‌گیری‌های پُرآک، نشان می‌دهند که یک جریان سیاسی سکولار است. اخیراً بیانیه‌ای* نیز در رابطه با انتقاداتی که به بحث نامد شاهی شده، صادر کرده است.

بنابراین، هر جریان و فردی که عمیقاً به شعار «زن، زندگی، آزادی»، باور دارد هرگز به تعرف و توصیف اسلام نمی‌پردازد و ساده‌ترین مسیر را انتخاب می‌کند و مذهب را امر خصوصی افراد می‌داند و بر جدایی دین از حکومت اصرار می‌ورزد. البته بدون این که به اسلام‌ستیزی و تحقیر و توهین به مسلمانان، روی بیاورد.

اکنون سیاست‌های زن‌ستیز و آزادی‌ستیز همه گروه‌ها و دولت‌های اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران، دولت طالبان، دولت عربستان، دولت رجب طیب اردوغان، گروه‌های اسلامی همچون حماس، حزب‌الله، داعش، اخوان المسلمین، بوکوحرام، گروه‌های اسلامی عراق، القاعده، و سایر گروه‌های مذهبی از خاورمیانه تا آفریقا و سایر نقاط جهان، همین سیاست و اهداف و ایدئولوژی اسلامی را دارند و همگی خود را ادامه‌دهندگان راه اسلامی «محمد» می‌دانند.

حکومت‌ها و گروه‌های مذهبی، که همگی دشمن درجه یک آزادی بیان و اندیشه به شمار می‌آیند. همه این‌ها زن‌ستیز و آزادی‌ستیز هستند. غیر از همکیشان خود همه کافر می‌نامند و همواره تأکید دارند که یا باید توسط مسلمانان از بین بروند و یا به اسلام ایمان بیاورند!

بنابراین بر خلاف نگرش نامد شاهی، بحرانی که امروز سر تا پای جامعه ایران را فرا گرفته است به هیچ وجه نه ربطی با انحراف جمهوری اسلامی از بنیادهای فکری محمد و پیمان‌نامه مدینه دارد و نه آن پیمان به درد بشر امروز می‌خورد بنابراین، بحران کنونی ایران ریشه در اهداف و ایدئولوژی اسلامی جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تبعیض و ستم جنسیتی و ملیتی و همه سرکوب‌ها و بی‌حقوقی‌هایی دارد که ماه‌هاست مردم محروم و ستم‌دیده و استثمارشده و در پیشاپیش همه نیروی جوان دختر و پسر برای پایان دادن به این بحران‌های فلاکت‌بار و کمرشکن و برای رهایی از سرکوب و کشتار و ایدئولوژی اسلامی حاکمیت، به‌پا خواسته‌اند. در اینجا به

هیچ‌وجه بحث بر علیه مسلمانان نیست، بلکه بحث بر علیه همه دولت‌ها و گروه‌های اسلامی است که رفتار به غایت غیرانسانی و وحشیانه با جامعه بشری دارند.

در چنین وضعیتی، پرسیدنی است که چرا نامد شاهو، به فکر پیمان‌نامه ۱۴۰۰ سال پیش محمد افتاده است؟! فرض کنیم که آن پیمان برای زمان خودش خوب هم بود که (ابدا نبود)، باز چه ربطی به جهان قرن بیست و یکم دارد؟! در حالی که امروز خواست جدایی «دین از دولت» و تبدیل شدن مذهب به امر خصوصی انسان‌ها، نه تنها خواست چپ‌ها و کمونیست‌ها، بلکه یکی از مطالبات مهم اکثریت شهروندان جامعه ایران است در چنین وضعیتی، ضرورت دارد که نامد شاهو و هر کسی که مانند ایشان فکر می‌کند اگر کمی با دقت و عمیق‌تر تاریخ اسلام و نگرش دین به انسان زن را مطالعه کند شاید آن‌وقت به عمق زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی اسلام و جمهوری اسلامی و همچنین مضمون و محتوای شعار محوری «زن، زندگی، آزادی» این دوره از انقلاب ایران و تحقق آن در جامعه را بهتر درک کنند!

پژاک، یکی از احزاب جدی علیه جمهوری اسلامی است و در صفوف آن، علاوه بر نیروهای نیروهای آزادی‌خواه، نیروهای چپ، فمینیست‌های رادیکال، فعالین محیط زیست، آزادی زبان‌های مادری، آنارشیست و سوسیالیست هم فعالند. امیدوارم حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) و رهبری آن، آن‌هم در این وضعیت خطیر و فضایی انقلابی، به موضع‌گیری خود بیش‌تر دقت کنند. چرا که در شرایط موجود ایران و در حالی که انقلابی در این کشور در جریان است هرگونه موضع‌گیری غیراصولی و اشتباه، لطمه بزرگی به همبستگی و اتحاد مردم می‌زند و مبارزه علیه جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کند!

پنجشنبه سیزدهم بهمن - دلو - ۱۴۰۱ - دوم فبروری ۲۰۲۳

ضمیمه:

*بیانیه پژاک

به افکار عمومی و دوستداران پژاک!

چند روز پیش برنامه تلویزیونی «خط سوم (هیلی سئ)» پخش شد و در آن در خصوص برخی مسائل تاریخی تحلیلاتی انجام گرفت. به دلیل حساس بودن موضوع برنامه، تحلیلات تاریخی آن موجب سوءتفاهم نزد برخی علاقمندان و دوستان گرامی و محترم شد. حزبمان پژاک بنا به اصول دمکراتیک خویش به نظرات و دغدغه‌های عموم خاصه دوستان احترام می‌گذارد.

در روزهای اخیر در خصوص پژاک و اهداف دمکراتیک وی بحث و گفتگوی گسترده در محافل مختلف پیرامون موضوع برنامه تلویزیونی «خط سوم (هیلی سئ)» صورت گرفت. بی‌شک با شفافیت کامل اعلام می‌داریم که هدف ما دفاع و محافظت از حقوق دمکراتیک خلقمان و همه خلق‌های و ملیت‌های متکثر جامعه می‌باشد. تمامی دیدگاه‌ها و باورها و اندیشه‌های متفاوت و متنوع جامعه ما بر ایمان ارزشمند است و سیاست رد و انکار در پیش نمی‌گیریم.

پژاک به مبارزات فداکارانه و فدایی خویش هرچه استوارتر ادامه می‌دهد و صرفاً به دمکراتیزه کردن جامعه و آزادی آن می‌اندیشیم. همیشه در افکار و نظرات و عملکردهایمان مبارز مگر، قاطع، شفاف و صادق بوده‌ایم و خواهیم ماند. لذا صراحتاً اعلام می‌داریم که در راستای تحقق یک جامعه «دمکراتیک و سکولار» مبارزه می‌نماییم و معتقدیم که جامعه تنها بر این نقطه می‌تواند به پیشرفت و رشد برای آزادی، دست یازد. همه رنگ‌ها، تنوعات و تکت‌های جامعه و خلقمان بر ایمان ارزشمند است و با صاحبان همه اندیشه‌ها و باورها رفتار دمکراتیک و سکولار داشته و داریم. آرزوی حزبمان

رسیدن جامعه به نظمى سکولار و ديمقراطىک است که همه اقشار و توده‌ها با مشارکت گسترده در آن سهيم باشند.
بى‌شک، با پشتوانه راسخ خلقيان و با مبارزات فداکارانه و فدايى‌گرى به آزادى و ديمقراسى خواهيم رسيد.
حزب حيات آزاد کردستان (پژاک)
۳۰ جنورى ۲۰۲۳»